

## به نام خدا

# تاخیر در پرداخت عوض عادلانه اراضی و املاک خصوصی و ضرورت جبران خسارت تأخیر تأدیه: بازپژوهی مهلت هجده‌ماهه دولت

### چکیده:

یکی از مسائل قدیمی در حقوق، بحث تعارض حاکمیت دولت و مالکیت خصوصی شهروندان است. از یک سو حق مالکیت خصوصی افراد محترم است و از دیگر سو دولت حاکمیت دارد و باید خدمت رسانی کند. امروزه همه پذیرفته‌اند که مصلحت عمومی بر مصلحت خصوصی مقدم است ولی این به این منزله نیست که ما حق مالک خصوصی را یکسره نادیده بگیریم. دو شرط بنیادین برای امکان تملک املاک خصوصی جهت اجرای پروژه‌های عمومی در حقوق مقرر شده است. نخست وجود ضرورت. دوم پرداخت "عوض عادلانه". یکی از فروع این بحث که امروزه در محاکم ما مساله ساز شده، بحث خسارت تأخیر تأدیه است. با این توضیح که آیا دولت و نهادهای دولتی با عنایت به مهلت ۱۸ ماهه پیش بینی شده در قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵، تا ۱۸ ماه از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه معافند یا اینکه مهلت مذکور صرفاً جهت لحاظ مسائل بودجه ای و خدمت رسانی بهتر و مستمر در نظر گرفته شده و رافع مسوولیت دولت در تأدیه خسارت تأخیر تأدیه نیست؟ این مقاله در قالب نقد رای، به دنبال تبیین موضوع تاخیر دولت و نهادهای دولتی در پرداخت عوض عادلانه به مالکان است تا با توجه به تورم های سنگین، راه حل عادلانه ای در وضعیت موجود ارائه کند. ایده اصلی این مقاله اینست که در فرض نقض مالکیت خصوصی و اقدام تملکی دولت، در هر حال صدق عنوان تأدیه عوض عادلانه مد نظر مقنن لازم است. بنابراین دولت در فرض اقدام تملکی توسط شرکتهای دولتی اساساً حق استناد به مهلت ۱۸ ماهه را ندارد و سایر نهادهای دولتی هم در فرض وجود قرارداد، متعهد به تأدیه عوض عادلانه هستند و از مهلت ۱۸ ماهه بهره نمی برند، ولی در فرض عدم قرارداد، از مهلت تأدیه ۱۸ ماهه بهره می برند ولی باید خسارت تأخیر تأدیه آن ایام را در هر حال پرداخت کنند.

**واژگان کلیدی:** خسارت تأخیر تأدیه، عوض عادلانه، تملک قهری، مالکیت خصوصی، تأدیه بدهی

### الف: مقدمه

یکی از مسائل قدیمی در حقوق، بحث تعارض حاکمیت دولت و مالکیت خصوصی شهروندان است. در گذشته و در حکومت‌های استبدادی، مالکیت خصوصی در مقابل آنچه ما امروز حاکمیت می‌نامیم اهمیتی نداشت و حکومت‌ها مالکیت را امتیازی اعطایی به رعایا می‌دانستند (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۰، صص ۲۳، ۳۵) و هر وقت هم می‌خواستند آن را سلب می‌کردند! کم‌کم در اثر تحولات فکری، مالکیت خصوصی به عنوان حقی محترم و حتی مقدس<sup>۱</sup> شناخته شد و حاکمیت موظف گردید نه تنها آن را نقض نکند بلکه از آن حمایت هم بکند (لاک، ۱۳۸۷، صص ۱۸۹، ۲۵۳، ۱۸۵، ۱۴۷). به طوری که حمایت از مالکیت خصوصی به عنوان سنگ بنای پیشرفت اقتصادی و توسعه معرفی شد. اپستین حقوقدان معروف می‌گوید: در حقوق روم و دست کم از زمان ژوستینی نین و در کامن

<sup>۱</sup> مالکیت خصوصی در اعلامیه انقلابیون فرانسه نقشی پررنگ داشت زیرا به گفته روبیه، مالکیت "کامل ترین حق فردی" بود (Roubier, 1951, p) و بالتبع ارزشمندترین آنها (Munzer, 1990, 68). بر همین اساس در ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب ۱۷۸۹ میلادی بیان شد: «نظر به این که مالکیت حقی نقض ناشدنی و مقدس است، بنابراین هیچ کس را نمی‌توان از آن محروم ساخت مگر وقتی که ضرورت عمومی که قانوناً مورد توجه قرار گرفته، بطور مسلم مقتضی آن باشد، به شرط آن که تأدیه غرامت عادلانه و مقدم، رعایت شود».

لا دست کم پس از تسلط نورمن ها، مالکیت نهاد مرکزی حقوق خصوصی بوده است (Epstein, 2008, p 6). جان آدامز (از بانیان قانون اساسی آمریکا) هم سخنی معروفی دارد مبنی بر اینکه: اگر در جامعه ای این تلقی ایجاد شود که مالکیت به اندازه قانون الهی مقدس نیست و قانون و عدالت از آن حمایت نمی کند، هرج و مرج و ظلم حاکم خواهد شد (Cited by: Dietze, 1971, p 34). در اسلام هم، ارزش مالکیت فردی مشروع، حتی همپای اهمیت جان انسان ها تلقی شده (میانجی، ۱۳۸۷، ص ۷۰) و در فقه، قواعد و احکام متعدد جهت حمایت از مالکیت وضع شده است.

اما از دیگر سو تحولات اجتماعی و پیشرفت های انسانی<sup>۲</sup> و در نتیجه تبدیل حکومت های استبدادی به حکومت های خدمتگزار، مسائل جدیدی ایجاد کرد از جمله اینکه دولت ها جهت ارتقاء رفاه اجتماعی و خدمت رسانی بهتر به مردم در بعضی مواقع ناچار هستند جهت انجام پروژه های عمرانی و مانند آن، مالکیت خصوصی شهروندان را نقض کنند به عنوان مثال برای ساخت اتوبان جهت صرفه جویی در زمان و مصرف سوخت، بزرگراهی بسازند و در مسیر آن چندین ملک خصوصی باشد.

این مسئله در حقوق بی پاسخ نمانده است. امروزه همه پذیرفته اند که مصلحت عمومی بر مصلحت خصوصی مقدم است ولی این به این منزله نیست که ما حق مالک خصوصی را یکسره نادیده بگیریم. دو شرط بنیادین برای امکان تملک املاک خصوصی جهت اجرای پروژه های عمومی مقرر شده است (پیلوار، ۱۳۹۳، ص ۴۵ به بعد): نخست وجود ضرورت به این معنی که چاره ای جز نقض مالکیت خصوصی جهت اجرای برنامه عمومی نمانده باشد. دوم پرداخت "عوض عادلانه" به این معنی که دولت با پرداخت بهای عادلانه و محاسبه آن جزء مالیات، بار این نقض حق را بر تمام شهروندان تقسیم کند به گونه ای که یک نفر زیر چرخ توسعه له نشود<sup>۳</sup>. حتی در بعضی از قوانین که مجوز تملک را به حکومت داده اند تادیه مبلغی اضافه بر دولت تحمیل می شود. مثلاً در تبصره ۱ ماده ۵ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی (از این پس جهت رعایت اختصار لایحه قانونی تملک ذکر می شود) آمده است: «در مواردی که ملک محل سکونت یا ممر اعاشه مالک باشد علاوه بر بهای عادلانه صدی پانزده به قیمت ملک افزوده خواهد شد...».

لازم به یادآوری است اصولاً دادگاهها نقشی مهم و سنتی در زمینه دفاع از مالکیت خصوصی در برابر دولت دارند و اصولاً یکی از فلسفه های تفکیک قوا، همین نظارت قوه قضائیه بر اعمال قوه مجریه در چهارچوب قانون است. در حقوق فرانسه، حقوقدانان از دادگاهها به عنوان نگهبانان طبیعی مالکیت یاد می کنند (Marty et Raynaud, 1980, p 45) و از نقش خود، در برابر زیاده خواهی های دولت، به خوبی مطلعند. در حقوق آمریکا نیز هم دادگاههای ایالتی و هم دیوان عالی چنین نقشی دارند (W. Ely, 2008, p 5).

در شرایط اقتصادی عادی که متأسفانه جامعه ایران سالهاست از آن محروم است، پرداخت عوض عادلانه انجام می شود و مشکلی هم پیش نمی آید. اما در جامعه ما که سالهاست تورم های سنگین را تحمل می کند بعضاً این مسئله پیش می آید که به علت تورم،

<sup>۲</sup> در حوزه مسوولیت مدنی ر.ک: کاظمی، ۱۴۰۴، ۳۱۴ به بعد

<sup>۳</sup> در حقوق ایران هم این مسئله فراز و فرودهایی داشته است. دست کم بعد از مشروطه در راستای سنت های دینی، بر حرمت مالکیت خصوصی و اموال مردم تأکید شده است. اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطه مقرر می داشت: (( افراد مردم از حیث ... مال ... محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند ...)) و اصل پانزدهم می گفت: (( هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است))، اصل ۱۷ متمم هم می گفت: (( سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون)). قانون اساسی فعلی هم در اصل ۲۲ خود مقرر می دارد: « حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.».

ولو بعد از چند ماه از حکم! ارزش پول به شدت کاهش می‌یابد به طوری که در زمان پرداخت "عوض"، به علت کاهش ارزش پول از لحاظ عرفی عوض مورد حکم دیگر "عادلانه" نیست!

در حقوق ما سال‌هاست راجع به ماهیت پول و کاهش ارزش آن بدون اینکه راه حلی پیدا شود بحث می‌شود و باید اذعان کرد فقها هم از لحاظ فقهی به نتیجه‌ای مشخص نرسیده‌اند (ر.ک: میرزائزاد جویباری و خوشنودی، ۱۴۰۲، ص ۳۴-کریمی و جواهرکلام، ۱۳۹۹، ص ۳). به عنوان مثال این بحث هنوز حل نشده که در جامعه‌ای که پول دیگر پشتوانه طلا ندارد و اعتبار آن در دستان دولت هست وقتی کسی از دیگری قرضی می‌گیرد و می‌خواهد آن را بازپرداخت کند، باید عین همان مبلغ را بدهد یا باید همان ارزش گرفته شده را پس بدهد؟

در حقوق خصوصی پس از سال‌ها بحث و جدل قانون آیین دادرسی مدنی در اقدامی ضعیف، نهادی با نام خسارت تاخیر تادیه را پذیرفت. واقعیت آن است که آنچه در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی آمده، تنها کمک می‌کند تا حدی آن هم در برخی موارد، ارزش از دست رفته پول مسترد گردد و باید انصاف داد شباهتی با سود و بهره ندارد. بنابراین تاخیر دولت در پرداخت عوض عادلانه ملک، مصداق بارز ظلم بی‌عدالتی تلقی می‌شود. البته لازم به ذکر هست در مواردی مالکین یا دارای سند رسمی نیستند یا بین خود اختلاف دارند یا قابل شناسایی نیستند و مانند این‌ها؛ یعنی مواردی که نمی‌توان از دولت انتظار داشت همان لحظه قیمت عادلانه را پرداخت کند که از بحث ما خارج است.

این مقاله در قالب نقد رای، به دنبال تبیین موضوع تاخیر دولت و نهادهای جزء آن در پرداخت عوض عادلانه به ذی حق‌ها است تا با توجه به مقدمه‌های بالا، راه حل عادلانه‌ای در وضعیت موجود ارائه کند. ایده اصلی این مقاله اینست که در فرض نقض مالکیت خصوصی و اقدام تملکی دولت، در هر حال صدق عنوان: «تادیه عوض عادلانه» مد نظر مقنن است. بنابراین دولت در فرض اقدام تملکی توسط شرکتهای دولتی، اساساً حق استناد به مهلت ۱۸ ماهه را ندارد و سایر نهادهای دولتی هم در فرض وجود قرارداد متعهد به تادیه عوض عادلانه هستند و از مهلت ۱۸ ماهه بهره نمی‌برند ولی در فرض عدم قرارداد، از مهلت تادیه ۱۸ ماهه بهره می‌برند ولی باید خسارت تاخیر تادیه آن ایام را در هر حال پرداخت کنند<sup>۴</sup>. بر همین اساس و در ادامه به ترتیب موضوع را تجزیه و تحلیل می‌کنیم:

## ب: متن رای

شماره دادنامه ۱۴۰۲۳۶۳۹۰۰۰۲۹۲۲۲۸۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ صادره از شعبه پنجم عمومی حقوقی خرم آباد

در خصوص دعوی آقایان و خانم‌ها ... به طرفیت شرکت آب منطقه‌ای لرستان به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه، با این توضیح که خواهان‌ها مدعی‌اند از خواننده مبلغ ۳۱۲,۷۲۰,۰۰۰ تومان بابت اراضی تملک شده در محدوده سد حوضیان طلب داشته که به موجب دادنامه ۹۸۰-۱۰۵۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ صادره از شعبه سوم عمومی حقوقی الیگودرز نسبت به اصل طلب رای صادر شده است اما نسبت به تاخیر تادیه اقدامی صورت نگرفته است صدور حکم بر محکومیت خواننده را داریم. در مقابل خواننده اینگونه دفاع می‌نماید که ۱. با توجه به محل وقوع ملک، دادگاه شهرستان الیگودرز صالح به رسیدگی به دعوا می‌باشند ... ۳. در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی استحقاق خواهان بابت خسارت تاخیر تادیه مشروط به شروطی گردیده است از جمله: الف) داین اصل دین و خسارت تاخیر تادیه را مطالبه نموده باشد ب) تمکن مدیون به پرداخت اصل دین ج) امتناع مدیون از پرداخت دین؛ هر چند احتمال دارد

<sup>۴</sup> شهرداری‌ها با توجه به وضعیت ویژه خود مستند به قانون و بر خلاف اصل در مهلت قانونی پرداخت خسارت تاخیر تادیه نمی‌پردازند.

خواهان از طریق اظهارنامه رسمی و یا مکاتبه اداری دین را مطالبه نموده باشد ولی به دلیل عدم استقرار دین و عدم تمکن خواننده و محدود بودن بودجه طرح های عمرانی قادر بر پرداخت دین نبوده است، بنابراین امتناعی از طرف این شرکت صورت نگرفته و خواهان می بایست دلیلی ارائه نماید که شرکت تمکن مالی داشته و بدون دلیل از پرداخت دین امتناع نموده است. موید این موضوع نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۳۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ اداره حقوقی می باشد ۴. در دعوا حاضر داین مطالبه تاخیر تادیه نموده زیرا اساسا شرکت از ابتدا در مقدار و کیفیت مالکیت مورد ادعای ایشان از لحاظ موازین قانونی ایراد وارد نموده و ایشان با رای دادگاه، دریافت بهای اراضی و اموال نموده و سپس با دستور دادگاه مبلغ محکوم به از حساب شرکت برداشت شده است. در تمامی این مراحل شرکت اراده ای از خود نداشته و مبنای تاخیر تادیه بر این است که بر شخص حقیقی یا حقوقی دینی مسجل شود و مدیون عالما و عامدا با وجود آگاهی بر دین از پرداخت آن سر باز زده و داین را از منافع حاصل از مالیت مالی و اقتصادی مبلغ در مدت پس از ثبوت دین محروم نموده باشد. بر این اساس شرکت هیچگونه اختیاری بر عدم پرداخت اصل دین و به تبع آن مدت زمان برداشت مبلغ از حساب خود نداشته است لذا تقاضای رد دعوا را دارد؛ دادگاه با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مستندات ارائه شده از سوی خواهان ها و احراز این موضوع که موضوع طلب خواهان ها به مبلغ سیصد و دوازده میلیون و هفتصد و بیست هزار تومان که توسط محاکم قضایی اثبات گردیده است و نظر به اینکه خواننده زیر مجموعه شرکت های دولتی محسوب می گردد و جهت پرداخت محکوم به یک سال و نیم مهلت داشته است و نهایتا می بایست در مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ نسبت به پرداخت محکوم به اقدام نماید که این اقدام و پرداخت دین توسط خواننده صورت نگرفته است و نهایتا محکوم به در تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ به خواهان ها پرداخت شده است لذا دادگاه با توجه به خواسته خواهان ها و مستندات ارائه شده از سوی ایشان و احراز عدم پرداخت طلب آنها توسط خواننده و غیر موثر بودن ایرادات و دفاعیات شکلی و ماهوی خواننده، خواسته خواهان ها را ثابت تشخیص و مستندا به مواد ۱۹۸ و ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه با رعایت تناسب تغییر شاخص بانک مرکزی نسبت به میزان محکوم به از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ لغایت ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ صادر و اعلام می نماید.

**دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۶۳۹۰۰۰۴۴۸۱۹۲۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۹ شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر دادگستری کل استان لرستان  
پیرو دادنامه فوق ( دادنامه شعبه پنجم عمومی حقوقی خرم آباد)**

در خصوص تجدیدنظرخواهی شرکت سهامی آب منطقه ای استان لرستان به طرفیت آقایان و خانم ها ... نسبت به دادنامه ۱۴۰۲-۲۲۸۳ مورخه ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ شعبه پنجم دادگاه عمومی حقوقی خرم آباد به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه پرونده شماره ۹۸-۳۰۱۰۵۵ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ که حکم به نفع تجدیدنظرخوانندگان صادر شده است و در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷ محکوم به توسط تجدیدنظرخواه تودیع گردیده که به موجب آن دادگاه حکم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه محکوم به مذکور در آن پرونده از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ لغایت ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ بر اساس شاخص تورم اعلامی از ناحیه بانک مرکزی صادر نموده است، دادگاه با بررسی محتویات پرونده نظر به اینکه مطابق ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی وزارتخانه ها و موسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می گردد یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم، مهلت قانونی جهت پرداخت محکوم به را دارند و دادنامه شماره ۹۸۰-۳۰۱۰۵۵ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ و تا پایان شهریور ۱۴۰۰ مهلت قانونی جهت پرداخت داشته است و دادنامه تجدیدنظرخواسته بدین طریق اصلاح می گردد که تجدیدنظرخواه محکوم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه محکوم به مندرج در دادنامه و اجرائیه فوق اشاره صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی الیگودرز در پرونده بایگانی شماره ۹۷۰۴۱۱ از تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ بر اساس شاخص تورم اعلامی از ناحیه بانک مرکزی در حق تجدیدنظرخوانندگان می باشد و نظر به اینکه تجدیدنظرخواه دلیلی دال بر نقض دادنامه صادره ارائه ننموده و رای صادره مطابق

مقررات قانونی اصدار یافته، دادگاه مستندا به مواد ۳۵۱ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن رد تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظرخواسته را با اصلاح به عمل آمده تایید می نماید رای صادره حضوری و قطعی است.

### ج- نقد رای (منع احتساب مهلت ۱۸ ماهه برای شرکت های دولتی)

در دادنامه بدوی در خصوص ایراد صلاحیت توسط خوانده، هیچ اظهاری نشده است. شایسته بود به علت ایراد خوانده، دادگاه محترم در خصوص صلاحیت خود اظهار نظر می نمود. البته چون خواسته مطالبه پول بوده و منشا آن هم تاخیر خوانده می باشد و در واقع ارتباط مستقیم با زمین ندارد، دعوا منقول هست و ایراد خوانده وارد نیست (ر.ک: قسمتی و پیلوار، ۱۴۰۴، ص ۴۳).

اما در خصوص خسارت تاخیر تادیه، دادگاه محترم برای خوانده که شرکت دولتی است (ر.ک: کریمیان، ۱۴۰۳، ص ۶۴۱)، مهلت ۱۸ ماهه محاسبه کرده و برای شرکت در آن مهلت، خسارت تاخیر تادیه در نظر نگرفته و دادگاه تجدیدنظر هم آن را تایید کرده است. در صورتی که حسب استدلالات ذیل شرکت های دولتی مشمول مهلت ۱۸ ماهه ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی<sup>۵</sup> نمی شوند و تابع قواعد عمومی اجرایی احکام هستند چرا که:

بر خلاف نص ماده واحده شرکت دولتی، وزارتخانه یا موسسه دولتی تلقی نمی گردند و شخصیت حقوقی آنها از شخصیت حقوقی وزارتخانه ها و موسسات دولتی مستقل است. همچنین درآمد و مخارج آنها جدای از بودجه دولت بوده و بنابراین در بودجه کل کشور منظور نگردیده و حتی برخی از شرکت های دولتی، مشمول قانون تجارت می باشند مانند شرکت ملی صنایع پتروشیمی. (شمس، ۱۳۹۷، ص ۴۳۱).

شرکت های دولتی مشمول بند ج ماده ۲۴ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات دولتی هم نمی شوند.

نظریه مشورتی شماره ۱۶۱۵/۹۹/۷ مورخ ۲۷/۱۰/۱۳۹۹ در تایید این ادعا عینا نقل می شود: «... هر چند بند «ج» ماده ۲۴ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۳، دستگاههای اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ را به طور مطلق به کار برده است، اما با توجه به قرائن و امارات زیر این اطلاق منصرف از شرکتهای دولتی است:

نخست، فلسفه وضع قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ و اعطای مهلت به وزارتخانه ها و موسسات دولتی این است که درآمد و مخارج این مراجع و نهادها در بودجه کل کشور منظور می شود و بالطبع برای

<sup>۵</sup> ماده واحده- «وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور میگردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجراء ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تامین از محلهای قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یکسال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهند بود.

ضمناً دولت از دادن هرگونه تامین در زمان مذکور معاف میباشد. چنانچه ثابت شود وزارتخانه ها و مؤسسات یاد شده با وجود تامین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده اند، مسئول یا مسئولین مستنکف و متخلف توسط محاکم صالحه به یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف بوسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده میباشد.»

پیش‌بینی، تصویب و تخصیص مبالغی که به عنوان محکوم‌علیه باید پرداخت کنند، نیاز به مهلت است و با تصویب بند «ج» ماده ۲۴ یادشده، فلسفه اصلی موضوع تغییر نکرده است؛

دوم، بند «ج» ماده ۲۴ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۳ تکلیفی برای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه فعلی) مقرر کرده است که انجام این تکلیف توسط سازمان مزبور در مورد شرکتهای دولتی غیر ممکن است؛ زیرا تخصیص بودجه این شرکتها در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه فعلی) نیست تا بتواند محکوم‌به را از بودجه سنواتی آن‌ها کسر و به محکوم له یا اجرای احکام دادگاه و یا دیگر مراجع قضایی و ثبتي مربوط پرداخت کند؛ همان‌گونه که اطلاق عبارت «دستگاههای اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری» مذکور در بند «ج» ماده ۲۴ یادشده، موسسات یا نهادهای رسمی عمومی غیردولتی که در ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ قید شده‌اند را در برنمی‌گیرد؛ زیرا تخصیص بودجه این موسسات نیز در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه فعلی) نیست. همچنین اختصاص مبالغی به شرکتهای دولتی تحت عنوان کمک و غیر آن، منصرف از تخصیص بودجه سنواتی است. شایسته ذکر است رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور طی نامه شماره ۱۶۰۵۰۷ مورخ ۱/۷/۱۳۹۴ خطاب به این اداره کل به صراحت اعلام داشته است «اجرای تکالیف مندرج در بند یاد شده (بند ج ماده ۲۴ قانون مورد بحث) توسط سازمان منوط به موارد ذیل است. ۱- دستگاه اجرایی محکوم‌علیه دارای ردیف در قانون بودجه سنواتی باشد که این امر در مورد شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی عملاً امکان‌پذیر نبوده و...». بنا به مراتب فوق بانک‌های دولتی هر چند شرکت دولتی محسوب می‌شوند، اما از شمول مقررات قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ خارج‌اند».

بدینسان با توجه به مطالب بالا باید گفت در فرض مساله قواعد عمومی حاکم است و هیچ نص قانونی هم مبنی بر معافیت شرکت های دولتی نداریم و از آن مهمتر دلیلی هم برای تبعیض وجود ندارد.

#### د: لزوم احتساب تاخیر تادیه در مهلت ۱۸ ماهه دولت یا نهادهای دولتی

اما اگر تملک کننده دولت و اجزاء آن باشد چه؟ دادگاه باید تصمیم بگیرد که خسارت تاخیر تادیه را از چه تاریخی محاسبه می نماید به عبارتی مبدا خسارت تاخیر تادیه چه تاریخی است؟ زمان تملک دولت؟ زمان انعقاد قرارداد و انتقال سند (اگر باشد)؟ زمان قطعیت رای؟ زمان مطالبه؟ زمان سپری شدن مدت ۱۸ ماهه پس از سال صدور حکم؟ کدام یکی از این زمان ها می تواند زمان مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه محاسبه گردد؟

جهت تحلیل بهتر دو فرض را بررسی می کنیم:

#### ۱. انعقاد قرارداد بین نهادهای دولتی با مالک

زمانی که بین نهاد دولتی و شخصی که ملک مورد تملک قرار گرفته قراردادی منعقد می گردد، در غالب موارد با رضایت موضوع تملک خاتمه پیدا می کند و اشخاص به ثمن ملک مورد تملک خود می رسند ولیکن گاهی ممکن است به دلیل کوتاهی دولت در پیش بینی قبلی در بودجه یا دلایل دیگر، دولت نتواند ثمن پیش بینی شده در قرارداد را بپردازد و شخص مجبور به اقامه دعوا شود. در خصوص اصل ثمن که بحثی وجود ندارد و محاکم به اصل ثمن رای می دهند ولیکن در خصوص خسارت تاخیر تادیه، محاکم رویه های متفاوتی را دارند:

الف. رویه اول این است که مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه را تاریخ انعقاد قرارداد می دانند و استدلال آنها این است که ادارات دولتی با در نظر گرفتن بودجه خود در سال قبل اقدام به تملک می نمایند. لذا با بودجه تعیینی اقدام به تملک کرده اند و نمی توانند بدون در نظر گرفتن بودجه، اقدام به تملک نمایند و از طرفی طبق قانون جابه جایی بودجه ها برای کارهای دیگر خود جرم تلقی می شود. بنابراین دولت در تاریخ انعقاد قرارداد دارای تمکن می باشد و طبیعتاً اشخاص نیز ثمن را مطالبه می نمایند مگر می شود در قراردادهای شخص فروشنده ثمن را مطالبه نکند؟ مگر اینکه محجور باشد! در هر حال در فرض وجود قرارداد مطالبه مفروض و مطابق ظاهر می باشد مگر اینکه خلاف آن احراز شود، مثلاً مالک فوت کند و مانند آن به طوری که مطالبه به تاخیر افتد. چنانچه قبل از انعقاد قرارداد دولت اقدام به تصرف و تملک نماید تا تاریخ انعقاد قرارداد، محاکم اجرت المثل برای فروشنده در نظر می گیرند که اقدامی کاملاً صحیح است.

ب. رویه دوم این است که مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه را تاریخ انعقاد قرارداد نمی دانند بلکه تاریخ مطالبه می دانند. این گرایش مستظهر به تفسیر لفظی ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. است. تاریخ مطالبه معمولاً با تقدیم اظهارنامه و یا تقدیم دادخواست احراز می شود هر چند در این حالت خواهان می تواند با شهود و ادله دیگر، مطالبه خود را از زمان انعقاد قرارداد اثبات نماید.

ج. رویه سوم این است که مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه را (از آنجایی که دولت و نهاد های دولتی مهلت ۱۸ ماهه پس از سال صدور حکم برای پرداخت محکوم به را دارند) پس از مهلت ۱۸ ماهه از سال صدور حکم می دانند و استدلال این گروه مبنی بر این است که قانون خود معافیت یا مهلت ۱۸ ماهه را برای ارگان های دولتی برای پرداخت محکوم به در نظر گرفته است و دلیل آن اجازه قانونگذار با توجه به فاقد بودجه بودن ارگان دولتی می باشد و نهایتاً اینکه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی دولت فاقد تمکن تلقی می گردد.

ولیکن باید گفت به این رویه در زمانی که قرارداد فیما بین وجود دارد، انتقادات بسیاری وارد است از جمله آنها:

۱- وزارتخانه یا موسسات دولتی باید قبل از قرارداد و تملک، عوض عادلانه را پیش بینی کند. تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی مقرر داشته است: « در صورت حصول توافق «دستگاه اجرائی» موظف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک کتباً بمالک یا مالکین اعلام نماید. به هر حال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکور به منزله انصراف است.»

ماده ۸ هم بیان می دارد: « تصرف اراضی، ابنیه و تأسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نمیباشد مگر آنکه در اثر موانعی از قبیل استنکاف مالک از انجام معامله، اختلافات مالکیت، مجهول بودن مالک، رهن یا بازداشت ملک، فوت مالک و غیره انجام معامله قطعی ممکن نگردد، در این صورت بمنظور جلوگیری از وقفه یا تأخیر در اجرای طرح بشرح زیر اقدام میشود...»

تکلیف دولت بر تادیه ثمن به قدری مهم است که حتی در موارد ضروری هم که تملک فوریت دارد، ماده ۹ مقرر کرده است: « در صورتیکه فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به تشخیص وزیر دستگاه اجرائی ضرورت داشته باشد بنحویکه عدم تسریع در انجام طرح موجب ضرر و زیان جبران ناپذیری گردد، «دستگاه اجرائی» میتواند قبل از انجام معامله قطعی و با تنظیم صورت مجلس وضع موجود ملک با حضور مالک یا نماینده وی و در غیاب او و نماینده دادستان و کارشناس رسمی نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام نماید لکن «دستگاه اجرائی» مکلف است حداکثر تا سه ماه از تاریخ تصرف نسبت به پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه طبق مقررات این قانون اقدام نماید.»

## ۲. عدم قرارداد بین نهاد دولتی و مالک

در برخی از موارد ارگان های دولتی اقدام به تصرف و تملک اراضی اشخاص می نمایند و هیچ قراردادی را با شخص مالک منعقد نمی نمایند و مالک مجبور به اقامه دعوا و طرح دادخواست می گردد و معمولاً دادخواست شامل مطالبه بها و خسارت تاخیر تادیه می باشد. در خصوص مطالبه بها محاکم با جلب نظر کارشناسی برای تعیین قیمت عادلانه رای صادر می کنند و اصولاً ارگان دولتی را محکوم می کنند ولیکن در خصوص خسارت تاخیر تادیه اختلاف نظر هایی وجود دارد که در ذیل بدان می پردازیم:

رویه محاکم در صورت مطالبه خسارت تاخیر تادیه مالک این است که اعتقاد دارند نباید قبل از قطعیت رای خسارت تاخیر تادیه ای برای مالک در نظر گرفت<sup>۶</sup> چرا که قیمت روز ملک مالک در طول رسیدگی و توسط کارشناسی محاسبه می گردد و مبلغ مشخص می گردد و عملاً به مالک ضرری وارد نمی شود و از طرفی خسارت تاخیر تادیه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی برای دیونی تعلق می گیرد که معین باشند. در صورتی که در این حالت (بر خلاف حالتی که دولت اقدام به انعقاد قرارداد می نماید و مبلغ مشخص است) مبلغ مشخص نیست و در طول رسیدگی و با رای قطعی قاضی مشخص می گردد بنابراین طبیعی است که در طول رسیدگی خسارت تاخیر تادیه به مالک تعلق نگیرد.

اما در خصوص لحاظ یا عدم لحاظ مهلت ۱۸ ماهه در تادیه خسارت تاخیر تادیه، دو رویه اصلی قابل ملاحظه است:

### ۱-۲. پرداخت خسارت تاخیر تادیه بعد از صدور حکم قطعی

برخی از محاکم اعتقاد دارند که در زمان قطعیت رای، مبلغ دین کامل مشخص گردیده و دولت می بایست مبلغ محکوم به را پرداخت نماید و همانطور که در قسمت های سابق بیان شد مهلت هجده ماهه، اصلاً به معنی نادیده گرفتن خسارت تاخیر تادیه نمی باشد بلکه صرفاً به معنی اعطا مهلت به دولت جهت جلوگیری از اختلال در انجام وظایفش می باشد و گرنه قانونگذار در مقام بیان بوده و صراحتاً می توانست مانند آنچه در قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداریها<sup>۷</sup> آمده، دولت را از پرداخت خسارت تاخیر تادیه معاف نماید و از طرفی تاریخ تصویب قانون فوق که برای شهرداری ها می باشد ۱۳۶۱ است و تاریخ تصویب درج مهلت ۱۸ ماه پس از صدور حکم در سال ۱۳۶۵ می باشد و اگر بنا بود این قانون نیز همانند قانون شهرداری ها باشد صراحتاً موضوع خسارت تاخیر تادیه پیش بینی می شد<sup>۸</sup>.

استدلالات مطرح شده در قسمت وجود قرارداد هم همین رویه را تایید می کند. در واقع رای قطعی دادگاه ثمن را منجز و تعیین می نماید و دولت جهت صدق عنوان قانونی تادیه عوض عادلانه، باید خسارت تاخیر تادیه را در مدت ۱۸ ماه لحاظ و پرداخت کند.

<sup>۶</sup> از جمله ر.ک: محسنی و میرشکاری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱

<sup>۷</sup> قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها مصوب ۱۴/۰۲/۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، ماده واحده (اصلاحی ۲۷/۰۵/۱۳۸۹) - وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها اعم از اینکه در تصرف شهرداری و یا نزد اشخاص ثالث و به صورت ضمانتنامه به نام شهرداری باشد، قبل از صدور حکم قطعی قابل تامین و توقف و برداشت نمی باشد. شهرداری ها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاه ها و یا اوراق اجرائی ثبتی یا اجرای دادگاه ها و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقدرات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آنی خود بدون احتساب خسارت تاخیر تادیه به محکوم لهم پرداخت نمایند در غیر این صورت ذی نفع می تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تامین یا توقیف یا برداشت نماید.

<sup>۸</sup> در خصوص شهرداری ها، آراء متعارض برای محاسبه یا عدم محاسبه تاخیر تادیه صادر شده ر.ک: میرزائزاد جویباری و خوشنودی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹

## ۲-۲. پرداخت خسارت تاخیر تادیه بعد از مهلت ۱۸ ماه پس از سال صدور حکم

برخی محاکم اعتقاد بر این دارند که مبدا محاسبه خسارت تاخیر تادیه در خصوص محکومیت ارگان ها و وزارتخانه های دولتی بعد از صدور رای و بعد از مهلت ۱۸ ماه پس از سال صدور حکم می باشد و بر این امر اعتقاد دارند که قانون به دولت مهلت ۱۸ ماهه قائل شده است پس بنابراین در این مدت دولت فاقد تمکن است و از جمله شرایط مطالبه خسارت تاخیر تادیه بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی دارا بودن تمکن است. برخی از محاکم نیز از باب شرط امتناع مدیون وارد می شوند و بیان می دارند با توجه به اعطا قانونی مهلت ۱۸ ماه دیگر امتناع مدیون در اینگونه از دیون معنی ندارد.

نظریات مشورتی متعدد و مشابهی از اداره حقوقی صادر شده و گرچه در خصوص مطالبات پیمانکاران از دولت است ولی در فرض ما هم قابل قیاس (ر.ک: میرشکاری، ۱۴۰۲، صص ۱۳۴ و ۱۳۵) می تواند باشد. سه مورد در ذیل ذکر می شود:

نظریه شماره ۱۵۳۱/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه<sup>۹</sup>

نظریه شماره ۱۴۳۹/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه<sup>۱۰</sup>

دو نظریه شماره ۶۳۵/۱۴۰۳/۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه<sup>۱۱</sup>

<sup>۹</sup> نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

در مورد ادارات و موسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ شرط تمکن وقتی محقق می شود که محکوم به در بودجه منظور و پادار شده باشد. اساساً با لحاظ قسمت اخیر ماده واحده مزبور حتی در صورت تأمین اعتبار در بودجه، اگر مسئول مربوطه از پرداخت محکوم به استنکاف نماید در صورت ثبوت تخلف به انفسال از خدمت دولت محکوم خواهد شد و اگر این استنکاف سبب وارد شدن خسارت به محکوم له باشد، مستنکف ضامن خسارت وارده است که با این ترتیب از آنجا که کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت و موسسات دولتی با احکام صادره علیه اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی متمایز و متفاوت است و اجرای حکم علیه دولت و موسسات دولتی منوط به تأمین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا مستلزم تادیه خسارت تاخیر تادیه نمی باشد و ضمان خسارت وارده به محکوم له متوجه شخص مستنکف است. بدیهی است پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب سال ۱۳۶۵ صدور حکم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه بلامانع می باشد.

<sup>۱۰</sup> نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم علیه به پرداخت دین با محاسبه شاخص سالانه بانک مرکزی، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و موسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ شرط تمکن وقتی محقق می شود که محکوم به در بودجه منظور و پادار شده باشد. اساساً با لحاظ قسمت اخیر ماده واحده مزبور حتی در صورت تأمین اعتبار در بودجه، اگر مسئول مربوطه از پرداخت محکوم به استنکاف نماید در صورت ثبوت تخلف، به انفسال از خدمت دولت محکوم خواهد شد و اگر این استنکاف سبب وارد شدن خسارت به محکوم له باشد، مستنکف ضامن خسارت وارده است که با این ترتیب از آنجا که کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت و موسسات دولتی با احکام صادره علیه اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی متمایز و متفاوت است و اجرای حکم علیه دولت و موسسات دولتی منوط به تأمین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا مستلزم تادیه خسارت تاخیر تادیه نمی باشد و ضمان خسارت وارده به محکوم له متوجه شخص مستنکف است. بدیهی است پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب سال ۱۳۶۵ صدور حکم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه بلامانع می باشد.

<sup>۱۱</sup> نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم علیه به پرداخت دین با محاسبه شاخص سالانه بانک مرکزی، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و موسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ شرط تمکن زمانی محقق می شود که محکوم به در بودجه منظور و پایدار شده باشد. اساساً با لحاظ قسمت اخیر ماده واحده مزبور حتی در صورت تأمین اعتبار در بودجه، چنانچه مسئول مربوطه از پرداخت محکوم به استنکاف کند، در صورت اثبات تخلف، به انفسال از خدمت دولت محکوم خواهد شد و اگر این استنکاف سبب وارد شدن خسارت به محکوم له باشد، مستنکف ضامن خسارت وارده است که با این

همانطور که در بالا آمد از دید این مقاله، دولت در فرض تملک و نقض حق بنیادین مالکیت خصوصی، باید عوض عادلانه بپردازد و موضوع قابل قیاس با مواردی نظیر مطالبات قراردادی پیمانکاران نیست هر چند در همانجا هم قانون نباید ناعادلانه تفسیر شود. حرمت مال و عمل انسان در فقه و حقوق ایران سابقه طولانی دارد و تورم های کمرشکن سال های اخیر، اقتضای تفاسیر جدید و عادلانه تر دارد. به هر حال در فرض تملک اراضی و املاک مردم، مقنن شرط دانسته عوض عادلانه پرداخت شود و در لایحه قانونی تملک هم لازم می داند اولاً عوض در بودجه پیش بینی شود و ثانیاً ظرف حداکثر سه ماه معوض عادلانه پرداخت شود. بنابراین دولت نمی تواند در پرداخت کوتاهی کند و از آن کوتاهی از تکالیف بهره مند شود.

در ادامه یک نمونه رای از دادگاه بدوی که همگام با نظر این مقاله است نقل می شود گرچه در تجدید نظر نقض شده است:

دادنامه شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان به شماره ۱۴۰۰۲۲۳۹۰۰۰۳۲۰۵۷۶۴ به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

خانم... با تقدیم دادخواستی به وکالت از آقای... به طرفیت اداره کل راه و شهرسازی قزوین به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه به انضمام خسارات دادرسی متحمله در همین ترافع اقامه دعوا کرده و توضیح داده که اداره خوانده، به موجب دادنامه ۱۴۲۰۱۹۸/۱۴۰۰۲۲۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ این دادگاه به پرداخت مبلغ ۱,۴۰۵,۱۴۳,۷۰۰ ریال در حق موکل وی محکومیت یافته لکن درباره مطالبه خسارت تاخیر تادیه این مبلغ اقدامی نیامده لذا به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، صدور حکم به شرح خواسته را استدعا دارد. نماینده حقوقی راه و شهرسازی استان قزوین طی صورتمجلس دادرسی مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ دفاعاً ابراز داشته که چون برابر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم علیه به پرداخت خسارت تاخیر تادیه، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و دستگاههای دولتی، شرط تمکن زمانی محقق می شود که محکوم به در بودجه لحاظ شده باشد و از آنجائیکه کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت و موسسات دولتی با احکام صادره علیه اشخاص حقیقی و حقوق خصوصی متمایز و متفاوت است و از سویی باعنایت به (قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵) دستگاههای دولتی ۱۸ ماه پس از قطعیت رای فرصت دارند تا نسبت به تامین اعتبار و پرداخت محکوم به اقدام نمایند و دادنامه صادره از سوی دادگاه محترم هنوز به قطعیت نرسیده، بنابراین خواسته خواهان فاقد وجاهت قانونی بوده و مالا رد دعوی مطروح را تقاضای نموده است.

به تاریخ .. در وقت فوق العاده، نشست دادرسی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان تشکیل یافته، ریاست شعبه پس از مذاقه در اوراق و محتویات پرونده و اعلام ختم دادرسی، به شرح آتی مباردت به صدور رای نموده است.

از فرصتی که مقنن جهت تامین اعتبار و پرداخت محکوم به برای دولت قائل شده، به هیچ عنوان نفی قابلیت مطالبه خسارت تاخیر تادیه که حداقل حقوق خواهان این پرونده ( در کنار امکاناتی چون تقاضای تعدیل بها (گرامت) به ماخذ نرخ روز تادیه وجه) محسوب است استفاده نمی شود. زیرا بر طبق ملاک منعکس در اصول متعدد قانون اساسی، همه اشخاص حتی بالاترین مقام رسمی کشور در برابر قانون یکسان بایکدیگرند و براین بنیاد، عدم شمول مقررات عام و مطلق یک قانون بر شخصی خاص نیازمند تصریح قانونی خواهد بود؛ به ویژه که حرمان بستانکاران دولت از بهره مندی از این حق، بی تردید موجبات تحمیل زیان مضاعف به ایشان را فراهم

ترتیب از آنجا که کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت و موسسات دولتی با احکام صادره علیه اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی متمایز و متفاوت است و اجرای حکم علیه دولت و موسسات دولتی منوط به تامین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا پرداخت محکوم به در مهلت مقرر در ماده واحده مذکور مستلزم پرداخت خسارت تاخیر تادیه نیست و ضمان خسارت وارده بر محکوم له متوجه شخص مستنکف است. بدیهی است پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب سال ۱۳۶۵، محاسبه و صدور حکم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه بلامانع است.

می آورد و بدیهی است که چنین وضعیتی در تنافی آشکار با قواعد بنیادین ( نفی ضرر) و (لزوم جبران حداکثری خسارات) قرار دارد. پس دولت ضرورتاً مکلف است در بودجه ای که به منظور تامین محکوم به در مهلت قانونی تمهید می کند، خسارات ناشی از دیرکرد را هم لحاظ نماید. وانگهی چون عدم قطعیت حکم صادره راجع به اصل خواسته مانع از اتخاذ تصمیم این مرجع پیرامون خسارت تاخیر تادیه نیست، لذا دادگاه به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم بر الزام اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین به پرداخت خسارت تاخیر تادیه محکوم به موضوع دادنامه شماره ۱۴۰۰-۱۹۸ این دادگاه از تاریخ مورد خواسته در دادخواست ( که مقارن با تنظیم دادنامه مزبور یعنی سوم شهریور ۱۴۰۰ تعیین شده) لغایت اجرای آن حکم، به انضمام خسارات دادرسی منجمله در این دعوی، در حق خواهان صادر می دارد رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل پژوهش پذیر نزد دادگاه تجدیدنظر استان است.

دادنامه شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین در خصوص دادنامه فوق که منجر به نقض آن گردیده و اعتقاد بر رعایت مدت ۱۸ ماه پس از سال صدور حکم دارد.

در خصوص تجدیدنظرخواهی اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین به طرفیت تجدیدنظرخوانده آقای نسبت به دادنامه شماره ۵۷۶۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ صادره از شعبه دوم دادگاه محترم عمومی حقوقی شهرستان تاکستان، در پرونده کلاسه ۰۰۰۱۳۲۴ که به موجب آن دادگاه نخستین با استناد به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر الزام اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین به پرداخت خسارت تاخیر تادیه محکوم به موضوع دادنامه شماره ۱۴۰۰-۱۹۸ همان دادگاه از تاریخ دادخواست یعنی ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ تا زمان اجرای حکم به انضمام خسارات دادرسی در حق آقای صادر کرده است نظر به اینکه دولت مطابق ماده واحده نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۱۵ به مدت ۱۸ ماه پس از قطعی شدن حکم محکومیت مهلت برای پرداخت دارد تا زمانی که این مهلت منقضی نشده تمکن مالی و امتناع مدیون احراز نمی شود و سالبه به انتفاع موضوع می باشد و کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت با احکام راجع به اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی متمایز می باشد لذا دعوی مطالبه خسارت تاخیر تادیه قبل از مهلت مذکور توجیه قانونی نداشته مستند به ماده واحده فوق الذکر و مواد ۲ و ۳۵۸ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته قرار عدم استماع دعوا خواهان نخستین صادر می شود. بدیهی است پس از گذشت مهلت مقرر و عدم تامین محکوم به، مطالبه خسارت تاخیر تادیه بلامانع می باشد. رای صادره حضوری و قطعی است.

#### نتیجه گیری:

حسب آراء محاکم ارائه شده و نظریات، ملاحظه شد در خصوص محاسبه خسارت تاخیر تادیه شرکت ها و نهادهای دولتی اختلاف جدی وجود دارد. در فرضی که منشا تعهد دولت تادیه عوض عادلانه از باب تملک اراضی و املاک مردم باشد، با توجه به لزوم حفظ احترام به حق مالکیت کسی که ملک او مورد تملک قرار گرفته، باید گفت:

در خصوص شرکت های دولتی اصلاً نباید قائل بر رعایت مهلت ۱۸ ماهه پس از سال صدور حکم باشیم. اگر قرارداد وجود داشته باشد معیار زمان تنظیم سند انتقال یا حداکثر سه ماه پس از آنست. در صورتی که قراردادی فی مابین طرفین منعقد نگردیده پس از قطعیت دادنامه مبنی بر مطالبه بها، می بایست خسارت تاخیر تادیه را محاسبه نمود. در خصوص سایر نهادهای دولتی باید گفت در فرض وجود قرارداد، خسارت تاخیر تادیه از تاریخ وقوع معامله باید محاسبه شود یا حداکثر سه ماه پس از آن ولی در صورت عدم قرارداد، خسارت تاخیر باید از زمان قطعیت دادنامه محاسبه گردد، گرچه دولت می تواند بدهی خود را در مهلت ۱۸ ماهه بدهد.

#### منابع

فارسی

کتاب

شمس، عبدالله، اجرائی احکام مدنی، جلد دوم، انتشارات دراک، ۱۳۹۷

میانجی، احمد، مالکیت خصوصی در اسلام، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷.

میرزائزاد جویباری، اکبر و خوشنودی، رضا، خسارت تاخیر تادیه در رویه قضایی با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۴۰۲

میرشکاری، عباس، رساله عملی در مسوولیت مدنی؛ شرکت سهامی انتشار. تهران. چاپ ششم. ۱۴۰۲.

همایون کاتوزیان، محمدعلی، ایران، جامعه کوتاه‌مدت، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، نشر نی، چاپ هفتم، ۱۳۹۵.

مقاله

السان، مصطفی و مسلم حاج محمدی: چالشهای رأی وحدت رویه مرتبط با سود بانکی از چشم‌انداز بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۴، شماره ۸ - شماره پیاپی ۸، بهمن ۱۴۰۴، صفحه ۳۷-۷۱. doi: [10.22034/analysis.2025.2074796.1130](https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2074796.1130)

پیلوار، رحیم: ضرورت دفاع از اموال خصوصی در برابر اخذ آنها از سوی دولت برای نفع عمومی (همراه با مطالعه تطبیقی)، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، بهار و تابستان، فروردین ۱۳۹۳، صفحه ۳۷-۵۵

قسمتی تبریزی، علی؛ پیلوار، رحیم: بازپژوهی حقوق و دعاوی منقول و غیرمنقول با تأکید بر نقد رویه دیوان عالی کشور، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۴۱، دی ۱۴۰۴، صفحه ۴۱-۷۰

کاظمی، محمود: تأثیر رشد فناوری بر حقوق مسئولیت مدنی؛ تحول از دین مسئولیت به طلب جبران خسارت، مجله تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی دوره ۲، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، شهریور ۱۴۰۴، صفحه ۳۱۱-۳۴۴. doi: [10.22034/jpl.2025.721256](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721256)

کریمی، عباس و جواهرکلام، محمد هادی؛ تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تادیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها، دانشنامه حقوق اقتصادی بهار و تابستان ۱۳۹۹، سال بیست و هفتم - شماره ۱۷ ISC (24 صفحه - از ۱ تا ۲۴)

کریمیان، محمد وزین: ابهام دکترینی در مفهوم «شرکت دولتی» در جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات حقوق عمومی بهار ۱۴۰۳، دوره پنجاه و چهارم - شماره ۱ رتبه: الف/ISC (27 صفحه - از ۶۴۰ تا ۶۶۶)

محسنی، حسن، میرشکاری، عباس: مطالبه ی زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری مجله مطالعات حقوق خصوصی بهار ۱۳۹۵، سال چهل و ششم - شماره ۱ رتبه: علمی-پژوهشی/ISC (13 صفحه - از ۱۳۹ تا ۱۵۱)

انگلیسی و فرانسوی

Dietze, Gottfried: (1971), In defence of property, Johns Hopkins Press Ltd., London

Epstein, Richard. A:( 2008), Supreme neglect, Oxford

Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre (1980), Droit civil, Les biens, 2<sup>e</sup> édition, Sirey

Munzer, Stephen, (1990), A theory of property, Cambridge university press

Roubier, Paul, (1951), Théorie générale du droit, 2<sup>e</sup> édition, Sirey

W. Ely, James, JR.: (2008), The guardian of every other rights, Oxford

## References

### Book

Shams, Abdullah, Civil Law Enforcement, Volume 2, Drak Publishing, 2018 (in Persian)

Miyanji, Ahmad, Private Property in Islam, Tehran, Dadgostar, First Edition, 2008. (in Persian)

Mirzanjad Jooybari, Akbar and Khoshnoudi, Reza, Damages for Delayed Payment in Judicial Procedure with a Comparative Study of French Law, Judiciary Research Institute Publications, 2019(in Persian)

Mirshkari, Abbas, Practical Treatise on Civil Liability; Joint Stock Publishing Company. Tehran. Sixth Edition. 2019. (in Persian)

Homayun Katouzian, Mohammad Ali, Iran, Short-Term Society, Translated by Abdullah Kowsari, Tehran, Nay Publishing, Seventh Edition, 2016.

Dietze, Gottfried: (1971), In defense of property, Johns Hopkins Press Ltd., London

Epstein, Richard. A: (2008), Supreme neglect, Oxford

Marty, Gabriel and Raynaud, Pierre (1980), Civil law, Property, 2nd edition, Sirey(in French)

Munzer, Stephen, (1990), A theory of property, Cambridge university press

Roubier, Paul, (1951), General Theory of Law, 2nd edition, Sirey(in french)

W. Ely, James, JR.: (2008), The guardian of all other rights, Oxford

### Article

Elsan, Mustafa and Muslim Haj Mohammadi: Challenges of the unanimous decision related to bank profits from the perspective of banks and financial and credit institutions, Bi-Quarterly Journal of Criticism and Analysis of Judicial Decisions, Volume 4, Issue 8 - Serial Issue 8, February 1404, pages 37-71 doi: [10.22034/analysis.2025.2074796.1130](https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2074796.1130) (in Persian)

Pilvar, Rahim: The necessity of defending private property against its acquisition by the government for the public benefit (with a comparative study), Comparative Law Journal, Volume 5, Issue 1 - Serial Issue 1, Spring and Summer, April 1393, pages 37-55(in Persian)

Qesmami Tabrizi, Ali; Pilvar, Rahim: Re-examination of movable and immovable rights and claims with emphasis on the criticism of the Supreme Court's procedure, Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies, Volume 17, Issue 41, January 1404, pages 41-70(in Persian)

Kazemi, Mahmoud: The impact of technological growth on civil liability law; The transformation from the religion of liability to the demand for compensation, Journal of Research and Development in Private Law, Volume 2, Issue 3 - Serial Issue 3, September 1404, Pages 311-344 doi: [10.22034/jpl.2025.721256](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721256) (in Persian)

Karimi, Abbas and Javaherkalam, Mohammad Hadi; Analysis of the unanimous decision No. 733 of the General Board of the Supreme Court; With emphasis on the nature of money and the distinction between devaluation of money, damages for late payment and damages resulting from price increases, Encyclopedia of Economic Law Spring-Summer 2010, Year 27 - Issue 17 ISC (24 pages - from 1 to 24 (in Persian)

Karimiyan, Mohammad Vazin: Doctrinal ambiguity in the concept of "state-owned company" in the Islamic Republic of Iran, Journal of Public Law Studies Spring 2014, Volume 54 - Issue 1 Rank: A/ISC (27 pages - from 640 to 666(in Persian)

Mohseni, Hassan, Mirshekari, Abbas: Claiming damages for late payment of debt resulting from a forced guarantee Journal of Private Law Studies Spring 2016, Year 46 - Issue 1 Rank: Scientific-Research/ISC (13 pages - from 139 to 151(in Persian)

قبول شده / در انتظار انتشار / نسخه‌ی اولیه / ویراستاری نشده  
Accepted / Awaiting Publication / Draft Version / Unfinalized